

آفرینش جهان هستی^(۱)

زمین در جمع این نه طاق مینا
تو خود بنگرکز این خشخاش چندی
چو خشخاشی بود بر روی دریا
سزد گر بر بروت خود بخندی
از این نه چهار طاق پر ستاره
به تو نرسد مگر لختی نظاره

عطار نیشابوری هنگام سرودن شعر فوق شاید باور نمی‌کرد اندازه زمین در مقایسه با قطر جهان هستی، که ۹۳ بیلیون سال نوری تخمین زده شده، از دانه خشخاش هم به مراتب کوچکتر است! در این مقایسه باید دانه‌ای حدود ۶ بیلیون بار کوچکتر از خشخاش، یعنی کوچکتر از اتم را مثال می‌زد!!^(۱) در جهان شگفت‌انگیز علم که سخن از کوارک و نوترینو (یک ده بیلیاردم هسته مرکزی اتم) و اندازه پلانک (یکصد میلیارد کوچکتر از نوترینو) است، تنها ۱۵ دقیقه فرصت داریم که هر کدام از دیدگاه‌های متفاوت موضوع خلقت را توضیح دهیم و ۱۰ دقیقه دیگر نیز به نقش و وظیفه ما آدمیان در این پهنه حیرت افزای هستی بپردازیم!! عرایض این ذره ناچیز در این مجال مختصر، به ارائه سرفصل برخی از مطالب کلی درباره "خلقت از دید قرآن" محدود می‌گردد:

۱- بیان بی نهایت بودن آثار آفرینش

اگر (چوب) همه درختان زمین (تبدیل به) قلم شوند و دریا نیز به مدد هفت دریای دیگر مرکب، شمارش مخلوقات خدا پایان نپذیرد.
وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (سوره لقمان آیه ۲۷ و کهف ۱۰۹)

۲- آغاز آفرینش؛ باز کردن آنچه بسته بود (اشاره به لحظه انفجار بزرگ)

آیا منکران نمی‌دانند که (کُرَات) آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از هم بازگشودیم و هر موجود زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا باز هم (به آفرینش) باور ندارند؟
أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا^۱ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ^۲ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (انبیاء ۳۰)

۳- تشبیه باز و بسته شدن جهان به پیچیدن طومار نامه ها (تمثیلی از حرکت حلزونی کهکشانها)

روزی که آسمانها را همچون طومار نامه‌ها در هم می‌پیچیم؛ همانگونه که آفرینش نخستین را آغاز کردیم آن را باز می‌گردانیم. این وعده‌ای است بر عهده ما که قطعاً انجام خواهیم داد.
يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ^۱ لِكُتُبٍ^۲ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ^۳ نُعِيدُهُ^۴ وَعَدًّا عَلَيْنَا^۵ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (انبیاء ۱۰۴)

۴- انبساط عمومی عالم

ما آسمان (کهکشانها) را به نیروی بنا نهادیم و در حال گسترش آنیم
وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (ذاریات ۴۷)

۵- قانون جاذبه عمومی (ستون نامرئی عالم)

خداست که آسمانها (کهکشانها) را بدون ستون‌هایی قابل رؤیت برافراشت...
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَعِيرٍ عَمَدٍ تَرْوَاهَا^۱... (لقمان ۱۰ و مشابه آن در فاطر ۴۱)

۶- پیدایش نور و تاریکی (فعل و انفعالات هسته ای درون ستاره‌ای)

ستایش خدای را که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و نور را قرار داد...

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ... (انعام ۱)

آیا شما از نظر آفرینش سخت‌ترید یا آسمانی که خدا بنا نهاده، سقش را برافراشته و سامان داده، شبش را تاریک و پرتو نور آنرا (از فعل و انفعالات درونی ستاره) خارج کرده است، زمین را پس از آن گستراند، از آن آب و گیاهش را برون آورد و کوه‌ها را لنگر (زمین) قرار داد

أَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاءَ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضِحَاهَا وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (نازعات ۲۷ تا ۳۲)

۷- نظم و میزان درپهنه آسمانها

خورشید و ماه روی حساب‌اند. ستاره و شجره (کهکشانی) نیز در سجده (تبعیت از نظام عمومی) اند و آسمان را برافراشت و میزان (قوانین دقیق) را قرار داد

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (الرحمن ۵ تا ۷)

۸- قدر و اندازه پدیده‌ها در هندسه هستی

"قدیر" یعنی بسیار توانای اندازه‌گذار، از نام‌های خدا در قرآن است که ۳۶ بار تکرار شده است، از جمله:

وهر چیزی را آفرید و دقیقاً برای آن اندازه قرار داد... وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (فرقان ۲)

مطمئناً هر چیز را به اندازه آفریده‌ایم إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر ۴۹)

آنکه آفرید و سامان داد و اندازه گذاشت و هدایت (عضوی) کرد الَّذِي خَلَقَ قَسْوَىٰ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ (اعلیٰ ۲ و ۳)

هیچ چیز نیست مگر آنکه خزائن آن در اختیار ماست و جز به اندازه معین عرضه نمی‌کنیم وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلاَّ عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلاَّ بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (حجر ۲۱)

همه چیز نزد او اندازه (و حساب) معین دارد... وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (رعد ۸)

۹- آفرینش و هدایت (راهبری) وجودی توأم است

هدایت عضوی، غریزی و عقلی برای هر موجودی به همراه خلقت و در ضمیر اوست:

"گفت پروردگار ما کسی است که به هر چیز نعمت و جود عنایت کرد، راهبری نیز نمود قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ (طه ۵۰)

"آنکه آفرید و سامان داد و اندازه گذاشت و راهبری کرد الَّذِي خَلَقَ قَسْوَىٰ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ (اعلیٰ ۲ و ۳)

۱۰- آفرینش آسمانها (کهکشانی) و زمین در شش روز (دوران)

آفریده شدن جهان در شش مرحله یا دوران (۳) (قبل از پیدایش حیات) در ۷ آیه قرآن عمدتاً با این جمله: "خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ" مورد اشاره قرار گرفته است (اعراف ۵۴، یونس ۳، هود ۱۱، فرقان ۵۹، ق ۳۸، سجده ۴، حدید ۴)

۱۱- دوران فرعی آفرینش زمین و تکوین جوّ آن

بگو: آیا خدائی را که زمین را در دو دوران آفرید انکار می‌کنید و برای او همتیانی قائل می‌شوید... و طی چهار دوران، کوه‌های ثابت را از بالای آن قرار داد و در آن برکت نهاد و مواد غذایی (خاک) را به اندازه و یکسان برای درخواست کنندگان (انواع موجودات) تقدیر کرد

قُلْ أَنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ۚ ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۚ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ (فصلت ۹ و ۱۰)

دو دوران اولیه زمین؛ الف) پیدایش زمین در درون سحابی خورشیدی و رشد آن (دحو الارض=غلطیدن زمین)؛ و ب) سرد شدن و گسترش آن در مرحله بعدی (طحو الارض=گسترش) می‌باشد. برخی دانشمندان پیدایش زمین را در دو دوره: حیاتی و اکسیدی نیز تعریف کرده‌اند. (۴)

چهار دوران بعدی تحولات فیزیکی- شیمیایی زمین که خاک آنرا از هزاران عنصر حاصلخیز و پُر برکت (برای موجودات بعدی) انباشته ساخت، عبارتند از:

۱- دوران بمباران شهاب سنگ‌ها و بارش هیدروکربنها و اسیدهای چرب بر سطح زمین و پوشاندن آن از خاک سیاه و چرب

۲- سرد شدن تدریجی پوسته زمین در اثر برخورد دنباله‌دارهای حاوی آب (حدود ۵۰٪) در طول ۱۵۰ میلیون سال، افزایش مواد آلی در جو و بارش آنها بوسیله باران‌های اولیه بر سطح گرم زمین. در این دوره که عصر سفال نامیده می‌شود (Baked Clay) اسیدهای آمینه و فسفات‌های فعال (برای زمینه سازی حیات) تشکیل می‌گردند و گل و لای دریاها لایه جدیدی را روی لایه سیاه قبلی می‌سازد. ساختار کریستالی گل رُس و نمک چسبنده گراهام مواد آلی را با هم پیوند می‌دهند.

۳- عصر آب‌فشان‌ها. نفوذ تدریجی آب به داخل شکاف‌های سفالین پوسته زمین پس از برخورد با لایه‌های داغ زیرین به صورت آب جوشانی همراه خود، مواد عالی دو طبقه پیشین را حل و ترکیب کرده به صورت عناصر جدیدی به سطح زمین برمی‌گرداند. در این دوره نیدروژن جو کاهش می‌یابد و قندهای مناسب برای ادامه حیات، گلیسرین، سولفور گوگرد، گازهای آلدئیدی و... لایه جدیدی را روی زمین ساخته و در این محیط داغ و اسیدی ایجاد پروتئین‌های حیاتی را ممکن می‌سازد.

۴- عصر لجنزارها و پیدایش حیات، افزایش تدریجی آب زمین و پیدایش بازهای آلی در آبگیرهای راکد و متعفن دوره قبل با گازهای سیانیدی و... نقش گل رُس در ایجاد نوکوتیدها، متابولیسم و تولید مثل را در اولین هسته‌های حیاتی پدید می‌آورند. (۵)

۱۲- آب منشاء پیدایش حیات در کره زمین

همه چیز را از آب زنده کردیم... .. وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ... (انبیاء ۳۰)

خدا هر جنبنده‌ای را از آب آفرید... .. وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ ۗ ... (نور ۴۵)

او کسی است که از آب بشری را آفرید... .. وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا... (فرقان ۵۴)

اوست که آسمانها و زمین را در شش دوران آفرید درحالی که عرش او (نظام حیاتش) بر آب بود... .. وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ... (هود ۷)

۱۳- پیدایش جو زمین

آنگاه به آفرینش آسمان (بالای زمین = جو) پرداخت در حالی که دود بود (جو اولیه زمین که حیاتی بود، در اثر بارش آب بوسیله دنباله‌دارها به جو حاوی آب، گاز کربنیک و اکسید نیتروژن بود - ترکیبی مشابه دود - تبدیل شده بود) سپس آن توده گاز را به صورت هفت آسمان (طبقه) قرار داد و در دو دوران سامان داد و به هرآسمانی برنامه‌اش را الهام کرد؛ و آسمان نزدیکتر به زمین را (که غلظت بیشتری دارد، از طریق تجزیه نوری و پیدایش رنگ‌ها) زینت داد و حفاظتی (در برابر اجرام سرگردان و اشعه‌های مضر حیات) قرار داد. این است اندازمگذاری خدای نیرومند دانا.

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ۚ فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا ۗ وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ۗ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (فصلت ۱۱ و ۱۲)

درباره هفت طبقه جو بالای زمین، آیات مورد اشاره بعدی به تفصیل بیانگر حکمت زیبایی بخشی به آسمان و مکانیسم حفاظتی آن می‌باشند: بقره ۲۹، حجر ۱۶، اسراء ۴۴، انبیاء ۳۲، فرقان ۶۱، صافات ۶، فصلت ۱۲، ق ۶، ذاریات ۷، ملک ۳ و ۵، نوح ۱۵، بروج ۱.

خلقت انسان

۱- قرآن خلقت انسان را پیوسته به سلسله تکامل موجودات زنده و سرشاخه شجره حیات و مرتبط با بدنه و ریشه‌ها و مواد آلی درون خاک در طول میلیاردها سال معرفی کرده است. نظریه قدیمی مستقل بودن آفرینش آدمی از سایر موجودات، که طی هزاره‌ها بر جوامع انسانی حاکم بوده است، با آیات آشکار قرآن در باره خلقت آدمی در تضاد می‌باشد.

۲- آدم، برخلاف تصور قدیمی، اولین بشر و به اصطلاح "ابوالبشر" (پدرآدمیان) نیست، بلکه برگزیده‌ای از انسان‌های اولیه بوده که برای نخستین بار جهشی در مسیر اختیار و اراده مستقل پیدا کرده است. قرآن آدم را، همچون سایر پیامبران، برگزیده‌ای از نسل خود می‌داند:

"خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را از میان مردم عالم برگزید...". **إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (آل عمران ۳۳)**

۳- به تصریح قرآن انسان از اولین منشاء حیاتی (نفس واحد) نشئت یافته است. انشاء هر چیزی (برخلاف خلقت که از مواد موجود است) از عدم می‌باشد، وقتی سلول نیز خود از اجزاء دیگری تشکیل شده است، "نفس واحد" باید اولین اثر حیاتی در کره زمین باشد:

"اوست که شما را از "نفس واحدی" از عدم پدید آورد..." **وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ... (انعام ۹۸)**

۴- خدا آفرینش آدمی را از خاک آغاز کرده (سجده ۷) و به انسانها توصیه کرده برای شناخت نخستین آثار پیدایش حیات در زمین سیر کنند:

"بگو در زمین سیر کنید و بررسی کنید چگونه آفرینش را آغاز کرده است؛ سرانجام خدا آفرینش آخرت را به همین گونه پدید می‌آورد؛ البته خدا بر هر کاری تواناست"

فَلْيَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (عنکبوت ۲۰)

۵- قرآن با تعبیر مختلف مبداء آفرینش انسان را از خاک معرفی کرده است، اما نه از خاک معمولی، بلکه طی میلیونها سال از تحولات فیزیکی و شیمیایی گوناگونی که در دل خاک (در ۴ مرحله بارور شدن خاک زمین برای حیات بعدی) صورت گرفته است.

خاک آمیخته با آب (گل) را، هر چند خشک شده و آبش تبخیر شده باشد، "طین" می‌گویند. این کلمه ۱۲ بار در قرآن تکرار شده است. اشارات زیر به برخی مراحل آن است:

او کسی است که شما را از گل آفرید، سپس سرآمدی زمانی برای آن گذراند **هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ (انعام ۲)**

ما انسان را از چکیده‌ای (عصاره‌ای) از گل آفریدیم **وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (مؤمنون ۱۲)**
همان که هر چه آفرید، نیکو آفرید و آفرینش انسان را از خاک آغاز کرد **الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (سجده ۷)**

... ما آنها را از گل چسبنده‌ای آفریدیم **... إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ (صافات ۱۱)**

۶- زوجیت: از ۶ میلیارد سال عمر تخمین زده شده کره زمین، حدود ۳/۷ میلیارد سال از زمان ظهور اولین نشانه‌های حیات می‌گذرد. در طول بیش از دو میلیارد از این مدت، تقسیم سلول‌ها و تولید مثل به روش غیر جنسی انجام می‌شده و جنسیت هیچ نقشی در تقسیم سلول‌ها نداشته است. از تفکیک کروموزوم ایگرگ در روی زمین فقط حدود ۳۰۰ میلیون سال یعنی یک بیستم عمر زمین می‌گذرد و از آن عجیب‌تر؛ آخرین تحول در این کروموزوم فقط ۲۰ میلیون سال پیش اتفاق افتاده و انسان کوچکترین نوع کروموزوم ایگرگ را دارا می‌باشد. در برخی گیاهان و حیوانات نرینگی و مادگی (کروموزوم‌های ایکس و ایگرگ) در یک جسم و در برخی دیگر جدا از هم هستند. تحقیقات ژنتیکی اخیر نشان داده است که شروع تقسیم جنسی با بوجود آمدن کروموزوم ایکس بوده و در آن زمان کروموزوم ایگرگ وجود نداشته است. جنسیت انسان از مجهول‌ترین نوع جنسیت در بین موجودات است که نسبت به آن کاملاً بیگانه‌ایم.^(۴)

قرآن به مسئله پیدایش جنسیت نیز اشاراتی به این شرح دارد: "کمال آفرین است آن خدائی که تمامی ازواج را آفرید، از نبات زمینی گرفته تا خودشان، تا آنچه نمی‌دانند" (یاسین ۳۶) "از هر چیز دو زوج آفریدیم باشد تا متذکر شوید" (ذاریات ۴۹) همچنین آیات: رعد ۳، زخرف ۱۲، نجم ۴۵، قیامه ۳۹.

جایگاه و نقش ما در برابر آفریننده بیکران هستی

۱- علم پیدا کردن به خلقت آسمانها

در قرآن جمعاً ۳۱۰ بار (حدود یک بیستم کلمات این کتاب) از "آسمان"، ۸۵۶ بار از مشتقات کلمه "علم" (حدود یک هفتم کلمات قرآن) و ۲۶۱ بار از "خلقت" سخن گفته و در آیات فراوانی بر "حق" و هدفدار بودن نظام هستی و مُبراً بودن آن از پوچ و عبث بودن تأکید کرده است. (۷) از جمله:

"آیا (منکران) در درون خویش نمی‌اندیشند که خدا آسمانها و زمین و مابین آنها را به حق (با هدف) و برای مدتی معین آفریده است؛ و بسیاری از مردم (رستاخیز) لقای پروردگارشان را انکار می‌کنند"

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ ۗ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (روم ۸)

۲- توصیه به اندیشه در نظام و سیستم (ملکوت) جهان هستی

"چرا در نظام حاکم بر آسمانها و زمین و آنچه خدا آفریده است توجه نمی‌کنند، و اینکه شاید پایان زندگی آنان نزدیک باشد؟ پس غیر از این سخن کدام سخن را باور می‌کنند؟"

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (اعراف ۱۸۵)

۳- آفرینش و اداره عالم توأم است

بیشتر مردم به وجود آفریدگار باور دارند، اما اداره جهان را سپرده شده به قوانین فیزیکی و تصادف و احتمال یا تصمیم دل‌خواه آفریده‌ها می‌دانند. تأکید قرآن بر این است که آفرینش و حیات امری جاری است و خدا دائماً در اداره جهان نقش دارد و قوانین و نظامات مستقل از او نیستند:

"... آگاه باشید که هم آفرینش از اوست و هم امر! خجسته باد پروردگار جهانیان"

... أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (اعراف ۵۴)

۴- هدف خلقت انسان، به تعبیر قرآن، در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۴-۱- انجام نیکوترین کارها در آزمون زندگی :

"خدائی که مرگ و حیات را آفرید تا در ابتلای زندگی نیکوترین شما پدید آید..."
الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا... (ملک ۱)

۴-۲- احتراز از اختلاف و پیوستن به رحمت ربوبی:

"آنها دائماً در اختلاف هستند، مگر کسی که مشمول رحمت پروردگارت قرار گیرد و برای همین هم آنها را آفریده است"
وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (هود ۱۱۹)

۴-۳- هدف از خلقت همه ناآشنایان و آشنایان (جن و انس)، چیزی جز هموار کردن وجود خود برای کسب صفات خدائی نیست:

"من ناآشنایان و آشنایان را جز برای هموار کردن نفس خود برای حقیقت خدائی نیافریدم
وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات ۵۶)

۵- انتظار آفریدگار از انسانها، هماهنگ بودن با سایر نوازندگان در ارکستر هستی و اجرای ساز متناسب خود، مطابق

نُت‌های تنظیم شده و با نگاه به رهبر ارکستر می‌باشد، که در واژه قرآنی "تسلیم" (به حقیقت) تبیین شده است. در قرآن آمده است که:

آیا (منکران) غیر از "اسلام" (تسلیم حق بودن) را دنبال می‌کنند، در حالیکه همه آنان (فرشتگان) که در آسمانها و زمین‌اند، خواه ناخواه (طبق نظامات عالم) تسلیم اویند و نه سوی او باز می‌گردند.

أَفَعَيِّرَ دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ ۗ وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (آل عمران ۸۳)

۶- هدایت آفریده‌ها به هدفی که از آفرینش آنان اراده شده، گام بعدی خلقت است. این هدایت فطری است و سازگار با ساختار وجود آنان. خداوند به آدمی ابزار شناخت: چشم و گوش و عقل داده تا نیک و بد را تشخیص دهد. این پیامبر درون است، اما از آنجائی که آدمیان همواره در معرض دو نیروی خیر و شر، عقل و نفس و به تعبیر دینی، رحمان و شیطان قرار دارند، کتاب هدایت و پیامبرانی بیرونی نیز فرستاده است تا از غفلت‌های دنیازدگی و ظلم به نفس و به آنچه در نهاد و فطرتشان دارند یادآوری و بیدارشان نمایند. متأسفانه همچون آب زلال سرچشمه که در مسیر خود به تدریج رنگ و رسوب بستر را می‌گیرد، ادیان موجود اکثراً به شرک و خرافات آلوده و از نقش برپاداری و رشد دهندگی خود بسی دور شده‌اند، به صراحت قرآن تنها دین و آئینی می‌تواند آدمی را برپا دارد و به کمال آورد که از هرگونه شرک و ناخالصی میرا بوده و آدمی را به فطرت توحیدی دعوت کند:

قبل از آنکه روزی بازگشت ناپذیر از جانب خدا فرا رسد، به سوی دین برپادارنده (رشد دهنده) روی آور که آن روز صفوف (نیکان و بدکاران) از هم جدا می‌شوند.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدَّعُونَ (روم ۴۳)

۱- خلاصه‌ای از مطالب و مستندات ارائه شده توسط عبدالعلی بازرگان در سمینار "خلقت" توسط "وحدت نوین جهانی" در دانشگاه UCLA

۲- در مقایسه قطر هستی $10^{23} \times 9,3$ ، قطر 12756 کیلومتری زمین به مراتب کوچکتر از دانه یک میلیمتری خشخاش است.

۳- برخی دانشمندان ستاره شناس این ۶ دوران را به ترتیب زیر بیان کرده‌اند:

- 1- تورم فضا Inflation
- 2- آمیختگی مواد در حرارت فوق‌العاده Hot Soup
- 3- انفجار بزرگ Big Bang
- 4- پیدایش ستاره‌ها Formation of Stars
- 5- بوجود آمدن عناصر سنگین‌تر از هلیوم The Manufacturing of Elements Heavier than Helium
- 6- ایجاد و تکامل منظومه شمسی و زمین The Formation and evolution of Solar System and Earth

۴- تحقیقات جدید در مورد ماهیت ایجاد هسته و سن زمین حاکی از این است که در مدت کمتر از ۱۰ میلیون سال زمین دارای شرایط احيائی بوده و پس از وقفه‌ای طولانی شرایطی اکسیدی برای حدود ۱۰۰ میلیون سال بر آن حاکم شده است که البته این نظریه با تئوری قدیمی کانت لاپلاس مغایرت دارد (مجله ساینس سوم جولای ۲۰۰۹)

۵- مطالب مربوط به ادوار زمین از تحقیقات آقای دکتر کریم رستگار استاد دانشگاه شیراز استفاده شده است

۶- اقتباس از مقاله "نقش جنسیت در روند تکامل انسانها" نوشته دکتر رضا بنایی، نگین شماره ۱۷

۷- انعام ۷۳، ابراهیم ۱۹، حجر ۸۵، نحل ۳، انبیاء ۱۶- عنکبوت ۴۴، روم ۸، ص ۲۷، زمر ۵، دخان ۳۸، جاثیه ۲۲، احقاف ۳، تغابن ۳